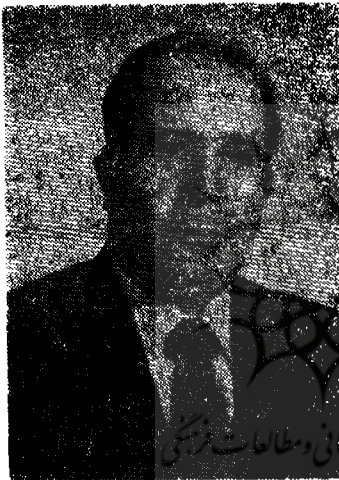


دنباله محاکمه پیرلاوال در روز

۱۴ کتبر ۱۹۴۵

ترجمه و تلخیص: سیدمر تفضلی مشیر

وکیل پایه یک دادگستری



پیرلاوال

بعد از رفع تشنج مجدداً جلسه تشکیل
و محاکمه تعقیب می شود.

پیرلاوال بر اثر چندین ساعت گفت و
شود احساس خستگی نموده و تقاضا می نماید
که جلسه بروز بعد موکول شود ولی رئیس
محکمه اصرار دارد که حداقل تا نیم ساعت

دیگر دادرسی ادامه یابد ، لاوال اظهار می نماید که در وضع مشکل و ناگواری بسر می برد
و باید برابر اتهامی باین مهمی که بوی نسبت داد. شده فرصت کافی داشته باشد تا بتواند
خود را آماده دفاع نماید بخصوص که بدون وکیل مدافع بوده و از داشتن وکلاء نیز محروم گردیده
است و در چنین موقعیتی حتی مجالی برای مراجعه باستاد و یادداشتهای خود ندارد و باین
غافلگیری که بصورت دائمی در آمده از هر جهت در وضعیت دشواری قرار گرفته است (اساساً
در محاکم جنائی بدون حضور وکیل مدافع هیچ محاکمه ای انجام نمی شود مترجم) .

بعد لاوال اداسه می دهد که بدون هیچگونه ترس و یا توسل به نیرنگی آماده دفاع
از خود می باشد و علاقمند است که جریانات را آنچنان که اتفاق افتاده بیان نماید ولو آنکه
ناخوشایند باشد و از طرف دادگاه مورد ملامت قرار گیرد .

لاوال می گوید با وجود احترامی که برای مقام قضا قائل است لکن بدین لحاظ
که وی شاغل مقامات مهمی بوده توقع دارد که از طرف قضات احتراماتش محفوظ بماند و

وقتی که آنها در برابر خود مواجه با چنین شخصیتی هستند که غالباً در رأس امور مملکتشان قرار داشته و اینک با اتهامی باین بزرگی بمحاكمه جلب شده است حداقل او را از انجام يك بازپرسی مقدماتی و ضروری محروم نسازند .

لاوال اضافه می نماید آنچه را که از گفته های آقای دادستان شنیده ام حاکی است که من قوانینی را امضاء نموده در سخنرانیها و گفتارهای خود مطالبی عنوان داشته ام ولی توجه نداشته اند که در این مورد آقایان قادر نیستند درباره امضاء قوانین و مذاکراتی که در دسواترین تاریخ بدبختی ملت فرانسه انجام گرفته قضاوت و اظهار نظر نمایند .

من وظایفی بعهده داشته ام که از هر جهت مسئولیت آنرا قبول می نمایم و بشما خواهم گفت که چرا فلان کار را انجام داده و یا فلان نطق را ایراد نموده ام اما در این مقام متقابلاً وظایف دیگری هم بعهده داریم وظیفه شما ایجاب می نماید که بحق دادرسی و قضاوت نمائید و تکلیف من دفاع از اتهامات متناسبه میباشد ، بنابر این هر يك از ما در نگارش صفحات تاریخ این عصر سهمی و نقشی را ایفاء می نمائیم .

مگر شما از چه می ترسید ؟ من که زندانی بوده و قادر بفرار نخواهم بود .
 « من بشما گفته ام که ممکن است جسم در زنجیر مقید باشد ولی روحم آزاد است » من میهنم را دوست می دارم و مایل هستم که نه فقط با اعمال و رفتار آنرا ثابت نمایم بلکه علاقمندم که این موضوع بشما نیز ثابت گردد در اینصورت صدای مرا خفه نسازید زیرا این اقدام برای عدالت گران تمام نخواهد شد .

آیا مایلید که اندیشه و فکر خود را ابراز دارم ؟ من بهیچوجه در برابر شما احساس حقارت و کوچکی نمی نمایم چه مقامات عالی و حساسی را بعهده داشته و خود را نماینده کشورم در زمانی که قوی و فاتح بوده است می دانسته و بدان مباهی بوده ام .
 من بدین علت احساس ناراحتی سنگین و خطیری می نمایم که چرا در برابر رنجها و محنتهایی که بخاطر وطن متحمل شده ام مرا متهم و بمحاكمه جلب ساخته اند .
 رئیس دادگاه اظهار می نماید شما در وضعی قرار دارید که هر تهمتی می تواند داشته باشد و از هر گونه امکان دفاع برخوردارید ولی خوب می دانید که دیگر کار بازپرسی خاتمه یافته است .

با وجود اصرار لاوال برای برای تکمیل تحقیقات رئیس محکمه اخطار می کند که بازپرسی در اینجا صورت می گیرد و شما بتفصیل مورد سؤال و جواب قرار خواهید گرفت و باین جهت من ناچارم دادرسی را ادامه دهم و باید دقیقاً توجه نمائید و در صورت احساس خستگی لاقول کوشش کنید برای مدت نیم ساعت بچند سؤال پاسخ دهید .
 پیر لاوال جواب می دهد من به سئوالات شما گوش خواهم داد ولی دیگر قادر به جوابگوئی نیستم و چون هر روز مرا بدادگاه احضار می نمائید باید بدانید که من در چگونه زندانی بسر می برم .

آقای « Demusois » عضو هیات منصفه سابق الذکر بازم بر خلاف اصول قضائی لب بسخن می کشاید و به لاوال می گوید تمام وطن پرستان فرانسوی در زمان حکومت شما از چنین سلوکی که از آن شاکی هستید بی نصیب نمانده اند !

Laval «لاوال» پاسخ می‌دهد آقای **Demusois** در این مورد بشما توضیح

خواهم داد و ملاحظه خواهید نمود که از بیان هیچ مطلبی بيمناك نيستم و فقط بدانيد كه اگر من نبودم شما اينك در اين وضع و مقام قرار نداشتيد .

صرفنظر از اين گفت و شنود مجدداً لاوال از نداشتن و وكيل مدافع نزد رئيس محكمه سالخورده‌ای كه مدعی است در مدت چهل و پنج سال قضاوت از کسی دستور نگرفته ! اظهار می‌دارد كه اگر لاوال بدون وكيل مدافع است گناهی متوجه وی و دادستان نمی‌باشد ! و تأکید می‌کند كه خطای ديگران ايجاد مسئولیتی برای هیأت دادرسان نخواهد کرد و بهر حال ضمن دستور تعقیب و کلائی كه این وضع را بوجود آورده‌اند ترتیبی خواهد داد كه آنان در کنار پیر لاوال قرار گیرند .

بعد از این ماجرا لاوال اظهار می‌دارد :

آقای رئيس محكمه در هر حال از شما خواهش می‌کنم كه اجازه بدهيد تا من بتوانم از خود دفاع بنمایم زیرا در این وضع من تنها و بدون وكيل مدافع هستم و اينكه شما می‌گوئيد و كلاه را وادار بحضور در محكمه می‌سازيد باید توجه داشته باشید كه آنان بحر فیه مشکلی اشتغال دارند و من شخصاً مدت ۳۶ سال در این شغل سابقه و كالت دارم آیا چگونه می‌خواهيد كه يك و كيلي در چنین دوسيه مهمی در ظرف يكماه خود را آماده دفاع سازد ؟ و اگر بخواهيم عقاید سیاسی را در دوازدهر گونه احساساتی فراموش كنيم می‌بينيم كه هیچ و وكيل مدافع شرافتمندی قادر نيست كه با این وصف از او كلكش دفاع نماید .

چنانكه مایل باشید بر طبق آئين و كالت و كيلي در اختیار من باشد باید حق دفاع مرا محترم شماريد و شما می‌توانيد این كار را هم انجام دهيد .

دیروز ملاحظه نموديد كه من ایرادی بصلاحيت هیچ يك از اعضا هیأت منصفه ننمودم باین علت كه عقیده دارم هر شخص فرانسوی حق دارد درباره من قضاوت و اظهار نظر نماید و بشما گفتم كه اگر نمی‌خواهيد مرا از دفاع محروم سازيد باید اجازه بدهيد كه يك باز پرسى كامل انجام گیرد و امیدوارم در خاتمه این جلسه با این امر موافقت و دستور لازم صادر نماید، در مورد و كلاه مدافع نیز اگر مایل باشید كه آنان برگردند من هم آماده‌ام از ایشان همین تقاضا را بنمایم چونكه بكمك و همكاریشان احتیاج دارم .

اگر آقایان هیأت منصفه بجزریان این محاکمات عادت ندارند ولی من در این خانه (كاخ دادگستری) مدت ۱۸ سال مستقیماً و مدت ۱۸ سال دیگر من غیر مستقیم سابقه خدمت و كالت داشته و از ماجراها با خبرم ولی در این شرایط چگونه انتظار دارید كه من هم می‌تواند از خود دفاع نماید ؟

الساعه مرا بسلولم خواهند برد و بجزمه دارك و كاغذهای چیزی در اختیار ندارم و با دنیای خارج از زندان تماس قطع خواهد شد بدین ترتیب اگر بخواهیم نامه‌ای بنویسیم مدت سه روز طول می‌کشد تا بمقصد برسد . بعلاوه امکان حاضر نمودن شهود را بطریق یقی كه شما می‌توانيد آنها را آماده سازيد تا در دادگاه رژه بروند ! برایم میسر نيست آیا تصور می‌نمائيد كه چنین دفاعی امکان پذیر است ؟

اگر دیروز بر اثر نادانی و بی تجربگی ديگران موجباتی فراهم شد كه كشور ما

مغلوب آلمان گردید و عواقب ناگواری را متحمل شدیم خوشبختانه امروز ما آزاد هستیم و من از شما تقاضا دارم که بفرانسه عدالت واقعی را اهداء نمائید و گرنه رفتارهای بامن بشود که در زبان آلمانها با ملت ما اعمال می گردید و من معذور بودم برای دفاع از مملکت تحمیلاتی را بپذیرم دیگر چه جای سرزنش باقی می ماند آیا چه تفاوتی بین این زمان با آن دوره وجود دارد؟

بموجب اطلاعیه دولت انتخاب فرانسه در ۲۱ اکتبر (۱۷ روز دیگر) شروع می گردد و معلوم نیست این عجله برای چیست که می خواهید صدای مرا خاموش سازید؟ آیا از چه می ترسید؟ از حقیقت؟

در جواب آقای لاوال « من ژیبو Mongibeaux رئیس دادگاه اظهار می دارد تمام این مسائل خارج از موضوع است و دفاع شما نیز ارتباطی ندارد! لاوال پاسخ می دهد من از شما چیزی جز تکمیل تحقیقات و بازپرسی نخواستم تا از موضوع خارج شده باشم .

رئیس دادگاه متقابلاً می گوید بطریقی که ما محاکمه می کنیم ابدأً احتیاجی بتکمیل تحقیقات نیست .

لاوال بعد از ذکر مقدمه ای اظهار می دارد که وی مراحل ترقی را تا حد اعلی پیموده و امروز که از اوج عزت بحضیض ذلت افتاده انتظار دارد در فرانسه آزاد شده ای که بدان افتخار می شود اگر واقعاً این آزادی وجود دارد بدو اجازه داده شود تا از خود دفاع نماید . آقای Demusois عضو هیأت منصفه ای که قبلاً با بیانات ناصواب خود موجب تشنج جلسه را فراهم و به حیثیت محاکم فرانسه لطمه شدیدی وارد ساخته بود بر خلاف رعایت اصل بی طرفی دوباره کلام لاوال را قطع نموده اظهار می دارد :

این امر (منظور آزادی و برابری و برادری که شعار ملت فرانسه است . مترجم) مشمول حال شما نمی شود تا مورد رحمت و عنایت قرار گیرید!

لاوال پاسخ می دهد « شما که هیچ نمی دانید از اصول قضائی بی اطلاعید رأی خود را محفوظ دارید تا هر طور بخواهید و مایل باشید درباره من قضاوت کنید ، رئیس دادگاه بجای تذکر به عضو هیأت منصفه ای که نظم جلسه را مختل و قطع کلام کرده است به لاوال اخطار می کند که نباید از موضوع خارج شود و فقط باید نسبت به دو مورد اتهامی که بوی وارد ساخته اند جواب بدهد .

از طرفی آقای منژیو ادعا می کند که برای رعایت اصول قضائی و احترام بحق دفاعی که هر متهم دارد ! به لاوال اجازه می دهد تا هر چند روزی که وقت لازم داشته باشد به صحبت خود ادامه دهد !

ولی پیر لاوال می گوید من از محکمه دو تقاضا دارم یکی تکمیل تحقیقات و دیگری مهلت قانونی . رئیس دادگاه اظهار می دارد :

« آیا شما خواهید گذاشت تا حرفم را بزنم ؟ »

لاوال پاسخ می دهد « مسلماً » من وسیله ای در اختیار ندارم تا مانع صحبت شما

بشوم . . بعد از این گفتگو چون رئیس دادگاه بخوبی می داند که بدون حضور وکلای مدافع جریان دادسی فاقد اعتبار قضائی و قانونی است باز هم مدعی می شود که اگر لاوال و کیلی ندارد گناه و تقصیر آن متوجه دادرسان نخواهد بود !

باشیدین این مطالب لاوال بطور عصبانیت کیف خود را روی میز می کوبد می گوید :
« فوراً مرا محکوم سازید چه این موضوع کاملاً روشن است »

مجدداً رئیس دادگاه به افراد گارد دستور می دهد متهم را از سالن خارج سازند ولی پیر لال با کمال بی اعتنائی شانه های خود را بالا انداخته و اظهار می دارد شخصاً از جلسه خارج خواهم شد . گاستن ژاکمن نویسنده کتاب زندگانی لاوال اظهار عقیده نموده آیا چنین رفتاری غرور آمیز آنهم در برابر چنان دادگاه نام الاختیاری امکان پذیر است تا از ناحیه کسی که ادعا می شود گناهکار است سر بزند ؟ بنظر وی انجام این محاکمه غیر قانونی برای آقای منزیبو اهمیت نداشته چه برداشتن قدم خلاف اول جرأت لازم داشته که صورت گرفته و بقیه داستان جنبه تصفیه حساب شخصی دارد نه دادرسی .

در این لحظات جوانی له نخست وزیر سابق و علیه دادگاه ابراز احساسات می نماید یکی از اعضاء هیأت منصفه اظهار می دارد او را توقیف سازید و آقای منزیبو نیز امری به سادگی می کند تا اخلاک گرا توقیف و تحویل زندان نمایند .

آقای Prot یکی از اعضاء هیأت منصفه دیگر اظهار می دارد این اخلاک گرا جزء ستون پنجم است و دیگری که درست شناخته نشده فتوی می دهد ! که « او (تظاهر کننده) مانند لاوال سزاوار است تا بدنش هدف دوازده گلوله قرار گیرد ! »

در ماجرای این خیمه شب بازی رئیس محکمه اعلام می کند فردا اولین شاهد را جهت تحقیقات حاضر سازید که ادامه استنطاق در این شرائط عملی نیست بعلاوه اطلاع می دهد که جریان دادرسی در غیاب متهم تعقیب خواهد شد ! با این مقدمه و ترتیبات جلسه دادرسی تأثر آور روز چهارم اکتبر ۱۹۴۵ خاتمه می پذیرد .

بقیه از صفحه ۴۴۴

پدرم حکایت میکرد چند دفعه که حاوی پیامی برای حاکم بودم چیز تازه ای یعنی چای بمن تعارف کردند و من چون از آشامیدن آداب و رسوم چای آگاهی نداشتم اغلب دست و دهانم می سوخت و بهمین علت هر بار که از طرف پدرم موریت پیدا می کردم که نزد خان حاکم بروم مدتی در خارج از ساختمان حکومتی وقت گذرانی میکردم تا اطمینان پیدا کنم بساط چای و صبحانه بر چیده شده بعد نزد حاکم میرفتم و پیامها را می رساندم .

از این نظر کارم طول میکشید که بملت دیر شدن و مراجعت چند بار کتک حسابی از پدر بزرگوار خود نوشجان فرموده بودند .

ما در دیلمقان حشم دارهای مقیم جنگل را گالش مینامیم که از تیره دیلم و در اصل از کاسپها یا کاسها هستند در ایام طفولیت که من در دیلمقان زندگی می کردم گالش ها چای نمی خوردند و ابداً مصرف قند نداشتند صبحانه شامل شیر و کته بود فقط شهرها یا ما چای می نوشیدیم ولی حالا ملاحظه فرمائید مصرف قند و چای به کجا رسیده . مقایسه وقت زمان خیلی شیرین است . البته نسل حاضر این قبیل حکایات را باور ندارد .